نقش باورها در سرحالی جسم

قسمت اول

عباس خادم الحسینی

یکی از مواردی که تأثیر بسیار زیادی بر سرعت روند پیر شدن دارد و متأسفانه کمتر مورد توجه و بحث قرار می گیرد نوع برداشت ذهنی ای است که شما از جسم خود دارید. اگر بخواهم تعریفی روان‌شناسانه از پیری ارائه دهم باید بگویم: « پیری یعنی احساس جوانی نکردن .» یعنی پیری قبل از هر چیزی (حتی قبل از این که یک حالت ارگانیسمی بدن باشد) یک حس درونی است پس با یک ذهنیت منطقی و حساب شده به راحتی می توان آن را تحت کنترل در آورد.

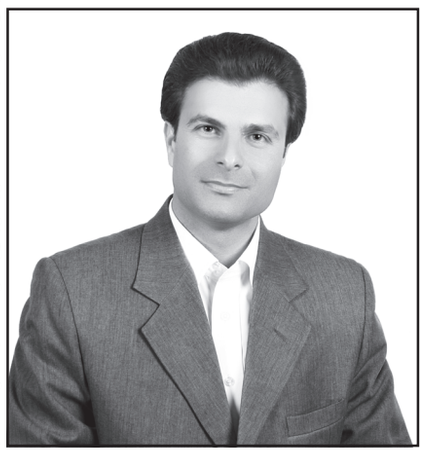

طرز فکر و ذهنیتی که شما نسبت به خودتان دارید در نوع وضعیت جسمی و ظاهری تان تأثیری شگرف دارد. دکتر هری آلدر می گوید: « ذهن و جسم هر دو به یک سیستم تعلق دارند و بر یکدیگر تأثیر متقابل می گذارند. شما ناخواسته احساسات خود را با بدنتان همراه می کنید یعنی می توانید با تغییر روش فکری خود دقیقاً فیزیولوژی خود را تغییر دهید.

شما می توانید با تغییر اعمال خود (به طور فیزیکی) بر ذهنتان تأثیر بگذارید و با تغییر افکارتان بر اندام خود تأثیر گذار باشید. به عنوان مثال اگر با اعتماد به نفس فکر کنید ظاهر و اعمال شما هم همین خصوصیت را بروز خواهند داد اگر اضطراب و ترس را به ذهن خود راه دهید ضربان قلب، لحن صدا و حالت های بدنی تان بیشتر با این دو حس منفی تطبیق می یابند و اگر احساس دستپاچگی یا خجالت بکنید رفتار و سلوک بدنی تان این واقعیت را به خوبی بروز می دهند.»

در مورد پیری هم همین طور است اگر احساس پیری کنید (چه بخواهید چه نخواهید) خود به خود بدن شما در راستای محقق کردن احساس تان گام بر خواهد داشت. نمی دانم چرا بسیاری از افراد کم اطلاع گمان می کنند که هیچ گونه کنترل ذهنی روی بدن خود ندارند و اصلاً رابطه‌ای بین بدن و چگونگی فکر کردن وجود ندارد در حالی که بخش عمده‌ای از تغییرات واقعی پیر شدن زاییده ذهنیت شماست. اینکه در مورد خودتان چه تصوری دارید و چطور خودتان را (از نظر سنی و نشاط بدنی) ارزیابی می کنید تأثیر بسیار زیادی در میزان سن واقعی شما (و نه سن تقویمی تان) دارد. به خاطر داشته باشید که از نظر علم روان‌شناسی هر کسی آن‌قدر مسن است که احساس می کند. پس احساس جوانی کنید تا روند پیر شدن را در خود کُند کرده باشید. برای اینکه جوان بمانید باید به سرحالی و نشاط بدنی خود ایمان داشته باشید. همیشه خود را آنقدر جوان و سرحال احساس کنید که میل دارید باشید. دکتر هربرت بنسن می گوید«: نیروی اندیشه می تواند بدن انسان را تغییر دهد.»

البته نکته‌ای که ذکر آن را در اینجا لازم می دانم این است که منظور از احساس جوانی کردن، فریب دادن خود یا انجام تلقین های دروغین و بی پایه و اساس نیست. این مسیر طبیعی زندگی است که به پیری می انجامد و ما هم نمی خواهیم آن را انکار کنیم. بدن ما نیز خواه‌ناخواه مانند هر ماشین دیگری با مرور زمان و عمر کردن فرسوده و کهنه می شود و این تغییرات و فرسودگی ها به وضوح قابل مشاهده و برای هر کسی هم کاملاً ملموس است اما آنچه در این میان جالب توجه و قابل تأمل این است که ظاهرا انسان تنها موجودزنده‌ای است که این قدرت را دارد (یا بهتر بگویم این نعمت خدادادی به او عطا شده است) که با اندیشه، احساس و اراده‌ای که دارد در میزان این تغییرات، دخالت و تأثیر داشته باشد.

از آنجایی که روان شما از تفکرات شما تغذیه می کند و تفکرات (یا همان باورهای شما) سرچشمه احساسات شما هستند و احساسات شما نیز تعیین کننده کیفیت و رفتار شماست می توان نتیجه گرفت که بسیاری از تأثیرات جسمی پیری محصول باور داشتن خود پیری است. وقتی که شما پیری را باور داشته باشید (احساس پیری کنید) این پیام فکری خواه‌ناخواه به تمامی اعضا و اندام‌های شما و یا دقیق تر بگوییم به تک تک سلول های بدنتان انتقال می یابد و آنگاه است که پیری حقیقی زودتر از موعد از راه می رسد یعنی شما زودتر از آنچه باید پیر شوید، پیر می شوید. دکتر هاروی دیاموند در کتاب تندرست و با نشاط برای زندگی می گوید: ما مرتباً به سلول های خود پیام صادر می کنیم و از آنها می خواهیم که هوشیارانه آنها را عملی سازند. تک تک سلول های بدن ما دارای هوش، استعداد، شعور و درایت هستند هر سلولی مانند یک سرباز منتظر فرمان ماست یعنی ما آگاهانه می توانیم سلول های خود را کنترل و هدایت کنیم و آنها هم همان کاری را انجام می دهند که ما انتظار داریم. آگاهی ما باعث می شود بدن در شرایطی قرار گیرد که ما فکر می کنیم. این فکرها می توانند مثبت باشند یا منفی، مضر و مخرب یا مفید و سازنده.»

با این تفاسیر می توان چنین نتیجه گرفت که بخش زیادی از پیری علت روان، تنی دارد یعنی زودتر پیر می شویم چون فکر می کنیم زودتر و بیشتر از آنچه باید پیر شده‌ایم یا اینکه زودتر پیر می شویم به این دلیل که پیر شدن را بیش از حد در کانون توجهات فکری خود قرار داده‌ایم.

ترس از پیری به مراتب از خود پیری خطرناک تر است زیرا نه تنها هیچ سودی ندارد بلکه هم قوای فکری را تضعیف می کنند و هم مقدمات پیری را در تمامی اعضا و قوای جسمانی فراهم می آورد.

بنابراین در هر سن و سالی که هستید (مهم نیست ۳۰ ساله‌اید یا ۶۰ ساله) احساس نشاط و سرحالی کنید و بدانید که این احساس یکی از پیش شرط های اصلی موفقیت و رضایت مندی است. داگ هوپر در کتاب تو همه اندیشه‌ای می گوید: «اگر احساس نشاط و شادابی نداشته باشید ۲۰ ساله باشید یا ۷۰ ساله تفاوتی نمی کند.»

برای رسیدن به دلی شاداب و جوان و روحیه‌ای شاد و پرانرژی، افکار منفی و سیاه را از خود دور کنید و به جای آن خوشبختی و سرحالی را در کانون توجه خود قرار دهید. بی دلیل تقصیر را به گردن دیگران و یا محیط نیندازید. احساس خوشبختی و یا بدبختی کردن شما از درون تان سرچشمه می گیرد و ارتباط چندانی به دنیای بیرون تان ندارد.

البته قبول دارم که محیط، موقعیت و شرایطی که در آن به سر می برید بر این احساس کاملاً تأثیر گذار هستند اما بدانید که در نهایت این شمایید که تصمیم می گیرید چطور فکر کنید و چه احساس و برداشتی داشته باشید. حتی ممکن است شما در اوج موفقیت و پیشرفت و ثروت و قدرت باشید اما احساس بدبختی و ضعف کنید.

مثال ها در این زمینه فراوانند چه بسیار شخصیت های موفق با شهرت جهانی که در اوج ثروت و محبوبیت، آن‌قدر احساس بدبختی وجودشان را فرا گرفته که خودکشی کرده‌اند. نمونه‌های برعکس این قضیه هم در اطراف ما فراوانند.

خودکشی، استعفا و یا برکناری...!؟

منوچهر حبیبی

چندروز پیش که بحث اختلاس بود شهروندی که روزگاری کارمند همین بانک صادرات بود، می گفت: روزی در پایان کار و قبل از خروج از بانک متوجه شدم که مبلغ ۳ ریال اضافی دارم وقتی موضوع را با رئیس شعبه وقت مطرح نمودم به من هشدار داد که هر چه سریعتر دوباره حساب و کتاب کنم و این مشکل را حل کنم. گفت اگر فردا صبح بدهکاری و بستانکاری ام صفر نباشد توبیخ می شوی. خوب مدتی حساب و کتاب آن روز را کنترل کردم و متوجه شدم ۳ ریال تمبر فروخته ام که در محاسباتم منظور نکرده بودم. خیلی خوشحال شدم و خبر آن را به رئیس رساندم و بعد با خیال راحت و آسوده با کمی تاخیر راهی خانه شدم. یقینا اگر پای صحبت کارمندان شریف و زحمت کش و درستکار دولت و بخش های غیر دولتی بنشینید از این خاطرات بسیار دارند. خاطراتی که نشان از لیاقت، شایستگی و درستکاری قشر زحمت کش کارگر و کارمند دارد هر چند همیشه باید نیمه های پر لیوان را دید اما کم نیستند افراد سودجو و فرصت طلب که در سمت و پست های نان و آب‌دار مشغول کارند و همیشه تلاش نموده‌اند که بارشان را یک شب ببندند و خلاصه از هر فرصتی برای سوءاستفاده بهره می برند. برگردیم به آن ۳ ریال و این ۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/ سه هزار میلیارد تومانی. البته آن ۳ ریال بهایش هنوز به این مبلغ $3*10^{10}$ ریال نرسیده اما از آنجایی که ما معتقد هستیم که تخم مرغ دزد، شتر دزد می شود به راحتی می توان تشخیص داد که چرا رئیس شعبه آن زمان اینقدر نگران پاک شدن حساب کارمند و شعبه اش بوده است.

البته امروز هم افراد و مسئولین سالم و پاکدامن کم نداریم اما مدتی است که از این جا و آنجا خبرهایی دال بر حیف و میل و اختلاس به گوش می رسد. حیف و میل هایی که بعضا با مبالغ بسیار چشمگیر و بالا صورت می گیرند. نمی دانم این مبلغ ۲ میلیارد و هشتصد میلیون دلاری که معادل یک چهارم در آمد سالانه فروش نفت دولت سوریه است مبلغ قابل توجه و قابل ملاحظه ای هست و یا نه ؟ این را باید با اختلاس هایی که در دنیا و طی سنوات گذشته در ایران شده است مقایسه کرد از آنجایی که در رسانه ها و مطبوعات از آن به عنوان بی سابقه ترین اختلاس بانکی در کشور یاد می شود طبیعتا باید اختلاس بزرگی باشد . بنابراین باید دید با مجرمین ومسئولین ذیربط چه برخوردی صورت خواهد گرفت. تا اینجای کار هر یک از مسئولین بانکی چه رئیس بانک مرکزی برادر بهمنی و چه مدیر عامل بانک صادرات برادر جهرمی، هر یک گناه را به گردن دیگری می اندازند. هر چند باز هم جای شکر دارد که این عزیزان پای جن و پری و رمال ها را به میان نیاورده اند! چرا که طی عمر دولت نهم و دهم بخشی از مشکلات پیش روی مردم و کشور ناشی از همین جا دور جبل ها بوده است اما بیایید ببینیم با این اختلاس و این سوءاستفاده در برخی نقاط دنیا چه طور برخورد می شود. اگر در چین و ژاپن و ... شده بود حتما اختلاس کننده و دست اندرکاران بدون سر و صدا اقدام به خودکشی می کردند . خلاصه خودشان به حساب خودشان می رسیدند و منتظر اجرای عدالت نمی شدند. ولی از آنجایی که در فرهنگ ما این کار یعنی خودکشی تقبیح شده است بنابراین ما با این کار یعنی خودکشی کردن آنان کاملا مخالف هستیم، اما اگر این اختلاس در برخی کشورهای غربی صورت می گرفت معمولا بعد از سرو صدا کردن مطبوعات و افشای موضوع ، مسئول مربوطه فورا استعفا می داد و از مردم عذرخواهی می کرد که چرا به اموال عمومی ناخنک زده است . از آنجایی که استعفا دادن در کشور ما جا نیفتاده است و اصولا نشان از سست بودن اراده دارد بنابراین احتمال استعفا کردن مسئولین ذی ربط نیز بعید می نماید مگر اینکه سنت شکنی شود و خلاصه تعدادی از مسئولین و دست اندرکاران به مردم نشان بدهند که هنوز مردمی هستند و حاضرند به خاطر مردم غرور خود را بشکنند و استعفا دهند اما راه آخر برکناری است ؛ یعنی مسئولین بالا تر بیایند و اعلام کنند که این آقا و یا آن آقا مسئول به علت قصور و کوتاهی باید برکنار شوند.

این راه سوم معمولا در طول دولت نهم و دهم بسیار مرسوم بوده است . اما معمولا کسانی از کار برکنار می شدند که از منتقدان دولت بوده‌اند که خیلی تند و سریع نه تنها بر کنار شده اند که خبر برکناری خود را از جانشین خودشان هم دیده اند و هم شنیده اند . حالا می بینید برکناری کسانی که از سوی دولتمردان و از دوستان دولت دهم بوده اند به این راحتی و سادگی که دوستان انتظار دارند صورت نمی گیرد. اصلا عده ای همیشه در پست خود باقی هستند . بنابراین برکنار کردن چنین افرادی که هیچ وقت بازنشسته نمی شوند و همیشه آماده خدمت به مردم و کشور هستند کار ساده ای نیست. چرا که اگر نباشند چنین سوءاستفاده هایی صورت نمی گرفت حالا می بینید که اگر فلان مسئول که واقعا در این اختلاس مسئولیت دارد و مسئول نظارت بر حسن انجام امور بوده است و سوابقی درسمت های اجرایی همچون استان داری و وزارت و ... داشته است را بخواهند برکنار کنند بیشتر از موضوع اختلاس دردسرساز می شود. بنابراین انتظار اینکه کسی در این پرونده دست به خودکشی بزند که اصلا غیر ممکن است. اینکه استعفا دهد، کاملا بعید است و یا اینکه برکنار شود بستگی به این دارد که آیا در جایی دیگر سمت حاضر و آماده ای هست که او نیز از این برکناری آزرده خاطر نشود. چرا که هر چه طی این ۶سال مجلس و نمایندگان مردم داد و فریادزدند که این آقا و یا آن مسئول صلاحیت ادامه کار در دولت و یا سمت اجرایی ندارد پیش از آنکه جا به جا شود اول فکر گماردن او را در پست و سمت اجرایی جدید مد نظر بود تا اصلاح کار مردم و کشور خوب انشاءالله که این اختلاس پایان خوب و خوشی برای مردم و کشور، تا سوءاستفاده کنندگان و دست اندازان به ثروت و اموال عمومی، داشته باشد. چرا که تا این لحظه کسی مسئولیت قصور و کوتاهی و عدم لیاقت و شایستگی و از همه مهمتر ندانم کاری اش را نپذیرفته است باید دید محاکمه های پیش رو چه نتیجه ای به دنبال خواهند داشت . آیا مصلحت ها را کنار گذاشته و منافع مردم را در اولویت قرار می دهد یا نه؟

روند آزادسازی قیمت های حامل های انرژی و تأثیرپذیری جامعه از آن

حجت الله دهقانی

آزادسازی قیمت های حامل های انرژی و واگذار کردن مدیریت مصرف این هزینه ها به مردم که در چارچوب طرح هدفمندسازی یارانه ها از سوی دولت جدید طی ماه های اخیر به اجرا گذاشته شده است، طرحی نیست که در میان سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی تازگی داشته باشد و همواره در دولت های سازندگی و اصلاحات نیز از دغدغه های مهم این دولتها بوده است، ولی به علت وجود پاره‌ای مسائل سیاسی و فرهنگی فرصت اجراییش برای آن دولت ها فراهم نشد تا اینکه با روی کار آمدن دولت با شعار عدالت محوری و مهیا شدن زمینه های سیاسی مناسب و حمایت های لازمه از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف، این انگیزه برای دولت کنونی فراهم شد تا در راستای شعارهای تبلیغاتی - انتخاباتی، با انجام یک سری مطالعات اقتصادی و سپری کردن پروسه ای طولانی مدت، ضمن کمک گرفتن از نظرات کارشناسان خبره و آماده سازی جامعه از بعد روحی و روانی، این طرح ملی را پس از ماه ها کشمکش با مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان، گام به گام به مرحله اجرا درآورد که با نگرش به وضعیت فعلی مصرف انرژی در سطح کشور وقت آن هم فرا رسیده بود که به طریقی با مد نظر قرار دادن مواردی از قبیل رشد چشمگیر جمعیت کشور در قیاس با سال های آغازین پس از انقلاب، غفلت عموم مردم از کم و کیف تولید و مصرف حامل های انرژی و متعاقب آن سیر صعودی مصرف آنها، به این روند نامطلوب و بی رویه ی ماحصل ارزان بودن قیمت انرژی سروسامانی داده می شد که انصافاً اگر به نحو شایسته و با مشارکت حداکثری مردم مورد حمایت واقع گردد هم از نظر بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان و هم از نظر افزایش درآمدهای دولت و مهمتر از همه ارتقای کیفی نگاه فرهنگی و تقویت هنر مدیریتی زندگی افراد جامعه، می تواند که به مثابه ی یک طرح تحول اقتصادی - فرهنگی بزرگ باشد که به حتم تأثیر بسیار شگرفی بر آینده ی سیاسی کشور خواهد داشت. اما علی رغم قوی بودن اساس طرح، آنچنانکه واکنش ها و رویکردهای دهک های مختلف جامعه در دوره ی اجرایی دلالت می کرد، آنگونه که لازم و کافی بود حساسیت و اهمیت آن به صورت ریشه ای به آنان شناسانده نشد و با بزرگنمایی وجهه ی اقتصادی آن از سوی دولت آنهم به واسطه ی ضعف های امرار معاش اکثر دهک ها و همچنین وجود یک شتابزدگی سیاسی در اجرای آن، بدون اطمینان سازی کافی و جلب اعتماد حداکثری آگاهانه ی آحاد مختلف مردم و به منظور بهره‌برداری‌های سیاسی، قصوری بزرگ نسبت به بعد فرهنگی آن صورت گرفت که بر همین اساس گروهی از مردم هم با بررسی وضعیت اقتصادی نابسامان خود، بدون آگاهی یافتن کامل از این حقیقیت که قیمت ها در حال واقعی شدن است، با توجه به هجوم به باجه های خودپردازها پس از واریز یارانه‌ها برای برداشت، ضمن خلق صحنه های نازیبا و خواباندن مبالغ آن به حساب های بانکی دیگر به سبب بی اعتمادی به پایدار ماندن طرح، به ویژه در مناطق روستایی، دیدگاهی صرفاً اقتصادی از جنس کمیته ی امدادی و صدقه‌ای در مورد آن پیدا کردند و در همان ماه های نخست، حتی با وجود اطلاع رسانی های اولیه، به این تصور و ذهنیت رسیدند که یارانه های پرداختی تنها به عنوان کمک هزینه ای معیشتی به آنها پرداخت می شود و به همین خاطر بسیاری از خانوارها ناآگاهانه بخش مهمی از مخارج عمده خود را بر پایه ی تمامی آن یارانه ها بنیان گذاشتند نه عواید حاصل از صرفه جویی در مصرف انرژی، در صورتی که با روشن شدن بیش از گذشته جزئیات آن و ایجاد نوعی دوگانگی ارزشی در این باره در مقایسه با قبل از شروع طرح، برای عده ای منجر به گونه‌ای از یأس و ناامیدی شد. در مقابل نیز گروهی با کسب دیدگاهی مادی بدون اینکه از منظر فرهنگ صحیح مصرف تأثیری پذیرفته باشند، به تدریج دریافتند که اگر همپای راستین اجرای طرح شوند، بخشی از یارانه های پرداختی نقش مهمی را در هزینه های جاری زندگی روزمره ی آنها بازی خواهد کرد، نکته ای که از ابتدا به عنوان یک حربه و وزنه ی سیاسی هوشمندانه در جهت نیل به اهداف کوتاه مدت از سوی مسئولین مربوطه به کار گرفته شد. بدتر از همه اقلیتی که به هیچ وجه حداقل آشنایی با شیوه درست مدیریت مصرف را نیز نیاموخته بودند به سبب بهره مند نبودن از توجیه های اعتقادی و اقتصادی و براساس برداشت های شخصی خود، گران شدن انرژی و کنار نیامدن با کمتر مصرف کردن، حقوق های بیجایی را برای خود متصور شدند که همین موضوع از جهاتی موجب افزایش هرزرفت شبکه های حامل های انرژی در برخی مناطق گردید. در این میان گروه قابل توجهی نیز که از ماهیت واقعی طرح آگاهی کافی یافته بودند، چون منافع خود را در خطر می دیدند با اظهار نظرهای سوء و مغرضانه حاضر به پذیرفتن آن نمی شدند که عکس العمل این گروه نیز در نوع خود به مثال مانعی بازدارنده عمل می کرد تا دیگران کمتر به مطلع شدن از اساس طرح و همراهی با آن تمایل نشان دهند. برخی هم به علت برخورداری از استطاعت مالی فوق العاده اصلاً اهمیت چندانی برای آن قائل نشدند که این موضوع نیز دلسردی برخی اشخاص را به همراه داشت که برای چه تبعات اجرای این طرح فقط بایستی دامنگیر ما باشد. تازه داستان به اینجا ختم نشد و بعضی خانوارها به دلیل وجود بسیاری چاله های اقتصادی در زندگیشان مجبور به صرف یارانه های پرداختی در جاهای دیگر گردیدند و در ادامه مردم که تا به حال انرژی گرانقیمت را تجربه نکرده بودند موجب وارد شدن شوک به آنها و بروز مشکلاتی در پرداخت به موقع قبوض شد و دولت هم برای تعدیل بار روانی حاصله، وادار به اندیشیدن راهکارهایی جهت ایجاد تغییراتی در جزئیات طرح از قبیل پرداخت ماه به ماه یارانه ها و احیاناً کارت انرژی گردید. بعضاً نیز دیده می شود که برخی از سرپرست خانوارها به سبب استنباط های وارونه و بیسوادانه از شیوه درست مصرف و شاید در جهت افزایش درآمدهای خانواده آن هم به دلیل فقر اقتصادی، زندگی را بر خود و اهل منزلشان بسیار تنگ و تلخ کرده اند و با سلب حقوق ابتدایی خانواده و حذف مصارف اولیه و ضروری آنها ضمن اشاعه ی چهره ای غیر واقعی از طرح و ترویج فرهنگی ناشایست، در این باب از رغبت دیگران تا حدودی زیادی کاسته اند. با این اوصاف و نظر به اینکه بیش از نیمی از جمعیت کشور را روستاییان تشکیل می دهند، بروز اینگونه معضلات و موارد مشابه حکایت از وجود نشانه هایی از عملکرد ناقص و ظهور پاره ای انحرافات فرهنگی در روند اجرایی این طرح بزرگ دارد که بدون شک در صورت مرتفع نشدن، در آینده سبب اتلاف سرمایه های کلان خواهد شد و زمان حصول به موفقیت را برای آن چندین برابر افزایش می دهد که لازم است به مرور زمان و مسلط شدن به جوانب آن، آنها را نیز برطرف نمود. ناگفته نماند که عده ی قلیلی از مردم نیز به خاطر دارا بودن سطح فرهنگی مترقی، رویکرد امیدوارکننده ای نسبت به این جریان داشتند که جا دارد این تعدادا ندک را به عنوان نمایندگان و مبلغان دولت در میان توده ی مردم بیش از گذشته مورد توجه قرارداد. بر همین اساس اگر نگاه کارشناسانه ی مختصری به ماجرا داشته باشیم در می یابیم که اگر مدت های مدیدی قبل از اجرای طرح و از همان ابتدا، به جای پرداختن صرف به اهداف اقتصادی و منازعات سیاسی با گروهها و نهادهای مختلف بر سر این قضیه، مثلاً با برگزاری کلاس هایی آموزشی - مدیریتی برای مردم روی وجه فرهنگی آن که می تواند به جد کلید واقعی موفقیت طرح باشد، در کنار تبلیغات رسانه‌ای، آموزش های حضوری نیز صورت می گرفت و در این زمینه با هدف نهادینه کردن یک تحول فرهنگی و جا انداختن یک شیوه ی مترقی و متمدنانه ی ی از زندگی اجتماعی، شفاف سازی کافی انجام می شد، می توانست که در بلند مدت راحت تر از سوی عامه ی مردم پذیرفته شود و اهداف اقتصادی و معیشتی آن هم به شکل مطلوب تری حاصل می شد؛ زیرا که مصرف کننده در اولین مرحله بایستی عمیقاً درک کند که چرا و چگونه باید بهینه، استفاده ببرد و چنانچه این روال نادرست ادامه یابد چه عواقب و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. پس به طور خلاصه بایست در جهت اینکه همگان به میزان مشترکی از اطلاعات کاربردی دست یابند، به دنبال یک زبان مشترک برای تمام آحاد مردمی بود که از سطح آگاهی یکسانی بهره مند نیستند، و دستیابی به این مهم جز با انجام سازندگی ها و تغییر و تحولات فرهنگی به طرق دیگر مانند اعمال قانون کمتر قابل دسترسی خواهد بود. با این حال ضرورت دارد قشرهای مختلف مردمی نیز با کنار گذاشتن برخی خودخواهی ها و نامهربانی ها، صرفنظر از میزان تأثیرگذاری مستقیم این طرح بر روند عادی زندگی خود و به دور از هرگونه مشاجرات و نگرش های سیاسی غرض ورزانه، با هدف ایجاد پیش زمینه ای شایسته ی پیشبرد موفقیت آمیز تر طرح حداقل پاره‌ای از فضایل اخلاقی و فرهنگی را بر اساس پیشینه ی فرهنگی - مذهبی خویش در زندگی اجتماعی و فردی سرلوحه ی کار خویش قرار دهند و به طور قلبی اعتقاد پیدا کنند که: همواره هم مطابق روایات و هم بر اساس عقل و منطق، قناعت کردن و مصرف بهینه و بجا عملی معقول و پسندیده است و یک وظیفه اخلاقی و شرعی به شمار می رود؛ درست مصرف کردن از نشانه های تکامل شخصیت فردی و اجتماعی انسان ها و رعایت حقوق دیگران می باشد؛ اول و آخر، ضرر و زیان مصرف بی برنامه و بی اندازه به جای اینکه متوجه دیگران شود به خود انسان برمی گردد؛ حتی المقدور راجع به این مسئله مطالعات علمی داشته باشند و گرنه حداقل به نظرات متخصصین اعتماد داشته باشند تا با دانستن این نکته که همه چیز در منافع فردی خلاصه نشده است در نهایت همگان به این عقیده مشترک برسند که منافع ملی بر منافع شخصی ارجحیت دارد؛ از نشانه های رشد و تعالی جوامع پیشرفته بشری می باشد که انسان ها به خاطر پیشبرد اهداف اجتماعی خودشان، نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت و در حق هم دلسوزی و فداکاری داشته باشند و این کار محقق نمی شود مگر با همکاری همه جانبه ی تمامی قشرهای مردم و فراهم شدن امکانات و زیرساخت های لازمه از سوی نهادهای دولتی و صنعتی که با این موضوع ارتباط مستقیم و غیرمستقیم پیدا می کنند، زیرا که کنترل کارآمد میزان مصرف فقط در صورتی امکان پذیر خواهد بود که شیوه ها و سیستم های مصرفی و تفکرات پشت پرده ی آن از پایه تغییر یابند والا مهار میزان مصرف با استفاده از انسان ها و وسایل مصرفی کنونی و، با در نظر گرفتن این مطلب که جمعیت کشور مدام در حال افزایش است تنها به مانند مسکنی در طی چند سال آینده مؤثر و کارساز خواهد بود و در این راه شایسته هم نیست که به طریقی برخورد شود که نوک پیکان کلیه ی هزینه‌ها و مخارج ناشی از تغییر پشتوانه های فکری و شیوه های مصرف فقط به سوی مصرف کننده باشد.

آگهی مزایده مال غیر منقول

در اجرای آیین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا پرونده کلاسه ۸۰۱-۱۷ علیه آقای علی زرین کلاه فرزند احمد به ش ش ۳۳۵ و کد ملی ۲۵۳۹۶۲۸۸۷۷ کد پستی ۷۳۸۱۸۳۵۹۸۷ بدهکار و راهنین آقای علی زرین کلاه و خانم مریم صفری فرزند ایرج به نشانی ۲۸۸ صادره از شمیران و له بانک تجارت شعبه مرکزی اقلید موضوع سند رهنی شماره ۹۷۳۶ مورخ ۸۶/۸/۱۹ دفترخانه ۱۴۰ اقلید ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۵۴۴/۶۰ مترمربع تحت پلاک ۳۸۰۴/۳ واقع در بخش ۱۵ فارس مزرعه خونیان در صفحات ۲۹۹ و ۳۰۲ دفتر ۵۲ املاک ذیل ثبت ۴۵۰۵ به نام آقای علی زرین کلاه و خانم مریم صفری بالمناصفه صادر و تسلیم گردیده و سپس به موجب سند رهنی مذکور در رهن بانک تجارت قرار گرفته با حدود مشخصات شمالاً اول به طول ۱۲/۶۵ متر دیوار است به باقیمانده پلاک ۳۸۰۴ دوم به طول ۲۸/۶۵ متر دیوار به دیوار خانه پلاک ۳۸۰۴/۱ شرقاً به طول ۱۳/۳۰ متر درب و دیواری است به پیاده رو خیابان امام خمینی(ره) جنوباً به طول ۴۲/۵۰ متر دیواری است به باقیمانده پلاک ۳۸۰۴ غرباً به طول ۱۳ متر دیواری است به باقیمانده پلاک ۳۸۰۴ حقوق ارتفاقی ندارد. آدرس: اقلید خیابان امام خمینی(ره) محله باغستان جنب هلال احمر - کد پستی ۷۳۸۱۷۳۵۹۸۷ که ملک توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۸۰۰/۰۴۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده و نظر به اینکه اعتراضی وارد نگردیده ارزیابی قطعیت یافته و ملک بیمه ندارد و در اجاره کسی نمی باشد و ملک دارای مصالح و دیوار آجری، سقف تیرآهن با ۲۶ سال قدمت بنا و دو دهنه تجاری با ۹ سال قدمت تعداد اتاق خواب ۳ عدد می باشد و مزایده از مبلغ ۸۰۰/۰۴۰/۰۰۰ ریال آغاز می گردد مزایده در روز یکشنبه مورخ ۹۰/۸/۱ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل اداره ثبت اسناد و املاک اقلید برگزار می گردد و طالبین می توانند در ساعت و روز تعیین شده در خرید شرکت نمایند و ملک مذکور به بالاترین مبلغ پیشنهادی به فروش می رسد و حق حراج و نیمعشر اجرائی و بدهی های دیگر از جمله آب لوله کشی و برق و گاز اعم از انشعابات و حق الشرب و بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی شده یا نشده باشد به عهده خریدار می باشد. این آگهی در یک نوبت در روزنامه طلوع منتشر می گردد.

تاریخ انتشار: ۹۰/۷/۴ شماره: ۲۰۷ /م الف شماره: ۹۹۰۱- ۹۰/۶/۲۷

۳۴۸/۱۰۳۴۵ **رضا رحیمی -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اقلید**

آگهی تغییرات شرکت توسعه و عمران حیات کازرون در حال تصفیه سهامی عام به ثبت ۶۵۰ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۰۷۰۵۷

برابر صورت جلسه مدیران تصفیه مورخ ۹۰/۱/۲۱ شرکت موصوف فوق تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید.

۱- حق امضا کلیه اسناد و اوراق بهادار با سه امضا ثابت سید محمد حسین سعید و مرتضی بحرانی و سید امین الدین نجیبی متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و اوراق عادی با امضا یکی از مدیران تصفیه همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

شماره: ۴۸۳/م الف شماره: ۶۲۰۵-۹۰/۳/۱۹

محمدرضا دهقانی- رئیس ثبت اسناد کازرون

طلوع آگهی واشتراک می‌پذیرد

☑ ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲ ☑ ۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶